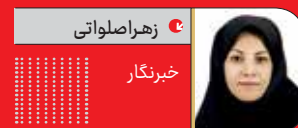


گفت‌وگو با شهرام لاسمی، قلقلی محبوب کودکان دهه ۶۰

زیربمباران برای کودکان برنامه می‌ساختیم



زهراصلواتی

خبرنگار

قلقلی محبوب کودکان دهه شصتی حالا ۵۰ ساله است. شهرام لاسمی، بازیگری در تلویزیون را با نقش قلقلی در برنامه بازی،

شادی، تماشای کودکان آغاز کرد و در همین نقش هم ماند. او برای همیشه به قلقلی وفادار ماند و کوشید تا این کاراکتر را حفظ کند. تلاشی که البته ناکام ماند و حتی باعث شد که بسیاری از فرصت‌های بازیگری برای لاسمی از دست برود. سال‌هاست که میان این بازیگر و تلویزیون فاصله افتاده

و لاسمی برای تامین معیشت و گذران زندگی مجبور به مهاجرت به شهرهای دیگر شده است. او این روزها در مشهد زندگی می‌کند و مدیر داخلی یک رستوران است و در عین حال، برای کودکان نمایش می‌سازد و اجرا می‌کند. سراسر گفت‌وگو با شهرام لاسمی

همراه است با گلایه و دلخوری این بازیگر از نبود زمینه فعالیت برای کودکان. او تأکید می‌کند که عاشق کار برای بچه‌هاست و در دهه ۶۰ و در بحبوحه بمباران و موشک‌باران شهرهای ایران در سال‌های دفاع مقدس همواره برای کودکان کار کرده تا دل آنها را شاد کند. نامه‌ها و جایزه‌ها،

هوشی و کوشی، دوقلوها و اتل متل توتوله از دیگر برنامه‌های تلویزیونی است که لاسمی در آنها حضور داشته. این هنرمند تأکید می‌کند که مردم و به‌ویژه کودکان دهه شصتی که حالا خودشان پدر و مادر هستند، او را همچنان با نقش قلقلی به یاد می‌آورند.



این روزها را چگونه می‌گذرانید؟

هفت سال است که در مشهد زندگی می‌کنم. در این سال‌ها چند نمایش برای کودکان ساخته و اجرا کرده‌ام. در حال حاضر هم به عنوان مدیر داخلی در یک رستوران فعالیت می‌کنم.

سال‌ها پیش هم در یکی از شهرهای شمالی کشور مشغول کار و زندگی بودید.

بله، در یک اسباب‌بازی فروشی کار می‌کردم. به خاطر شرایط زندگی و فشار اقتصادی، مجبور شدم از شهر خودم دور شوم و در رامسر کار کنم. واقعا گاهی فکر می‌کنم که چرا آدمی مثل من نادیده گرفته می‌شود؟! حتی وقتی شایعه فوت من منتشر شد هم برای کسی مهم نبود.

پیشنهاد بازی ندارید یا خودتان قبول نمی‌کنید؟

کلا از این شرایط به دور هستم و نمی‌خواهم درباره آن صحبت کنم. دل پری دارم اما ترجیح می‌دهم سکوت کنم.

چگونه شد که وارد حرفه بازیگری شدید؟

از روی عشق و علاقه‌ای که داشتم، وارد این عرصه شدم و بعد از نقش آفرینی در چندین تئاتر و کار تصویری، با آقای قناد آشنا شدم و با مجموعه بازی، شادی، تماشای تلویزیون ورود کردم.

چرا کار در تلویزیون را با حوزه کودک آغاز کردید؟

کار کودک را دوست داشتم. شادی کودکان را دوست دارم و دلم می‌خواهد آنها را بخندانم و شاد کنم. حتی از وقتی به مشهد آمده‌ام همچنان برای کودکان کار می‌کنم تا بتوانم با آنها ارتباط بگیرم و صدای خنده‌شان را بشنوم.

دوست نداشتید غیر از حوزه کودک، ژانرهای دیگر را هم تجربه کنید؟

کار برای کودکان را از سال ۶۳ شروع کردم. آن زمان جنگ بود و بچه‌ها شرایط سختی داشتند. این بچه‌ها در آن شرایط جنگ و بمباران و موشک‌باران دل‌شان شادی می‌خواست. در آن شرایط سخت، برنامه ضبط می‌کردیم تا دل بچه‌ها را شاد و به مقاومت تشویق‌شان کنیم. همیشه دلم خواسته برای کودکان کار کنم اما متأسفانه هیچ وقت دیده نشدم و از بازی و کار برای کودکان دور ماندم.

شخصیت قلقلی چگونه شکل گرفت و ایده و طرحش از کجا آمد؟

هفت سال است که در

مشهد زندگی می‌کنم. در

این سال‌ها چند نمایش

برای کودکان ساخته

و اجرا کرده‌ام. در حال

حاضر هم به عنوان مدیر

داخلی در یک رستوران

فعالیت می‌کنم

این شخصیت توسط مرحومه فریما فرهی شکل گرفت تا بدون حرف زدن و با ایما و اشاره مفاهیم را به کودکان انتقال دهد. اتفاقاً شخصیت قلقلی ماندگار شد. خیلی سعی کردم قلقلی را حفظ کنم. برنامه‌های زیادی ساخته شد که قلقلی در آنها حضور داشت. تلاش مان این بود که بچه‌ها شاد شوند و به نوعی یک مهدکودک مجازی باشیم برای بچه‌هایی که در روستاها و مناطق دورافتاده ساکن بودند. دل‌مان می‌خواست پیام‌های آموزنده به کودکان روستایی که توان رفتن به شهر و مهدکودک را نداشتند، بدهیم. شاید اگر خانم فرهی هنوز در قید حیات بودند شخصیت قلقلی هم ادامه پیدا می‌کرد.

چه شد که تصمیم گرفتید قلقلی صحبت نکند؟

ایده خانم فرهی بود. به هر حال وقتی کودکان چیزی را می‌بینند زودتر درک می‌کنند تا بشنوند. آن زمان تصمیم گرفتیم شخصیتی طراحی کنیم که متفاوت باشد و در سکوت و با زبان بدن با کودکان ارتباط بگیرد.

همین حرف نزدن قلقلی در مسیر بازیگری‌تان تاثیر نداشت؟

من قبل از قلقلی، نقش‌های دیگری هم بازی کرده بودم که همگی ناطق بودند. شرایط سکوت را به خاطر بچه‌ها قبول کردم. یک زمانی نظر بر این بود که قلقلی یک شخصیت ملی است و می‌تواند برای هر کودک و خانواده‌ای پیام‌های آموزشی داشته باشد. به هر حال، شرایط کار کم‌کم برای من سخت شد و همه دوستان مثل مجید قناد، نگار استخر، شیوا معادلی و دیگران که با هم مرتبط بودیم و کار می‌کردیم پراکنده شدند.

البته بعد از قلقلی در بعضی از کارهای

تلویزیونی مثل هوشی و کوشی صحبت کردید.

این مجموعه در شبکه تهران ساخته شد و آدم فضایی‌ها به زمینی‌ها در زمینه مصرف آب اخطار می‌دادند.

در این کار گریم سختی روی صورتم انجام شد و چهره‌ام کاملاً پوشیده بود. به همین خاطر نقش را قبول کردم.

شما در بازی، شادی، تماشای چند کار

دیگر با مجید قناد کار کردید و یک زوج هنری

را تشکیل داده بودید. چرا این همکاری ادامه

پیدا نکرد؟

آقای قناد در یک مقطع زمانی تصمیم گرفتند با

گروه فیتیله کار کنند که در ابتدا موفق هم بودند اما بعد تصمیم گرفتند ایشان را حذف کنند. به هر حال، بین ما هم فاصله افتاد اما همچنان با هم دوست و در ارتباط هستیم.

در سینما هم فعالیت چندانی نداشتید و حضورتان خیلی

محدود است. چرا؟

تهیه‌کنندگان و کارگردانان سراغم نیامدند. شاید فکر می‌کردند چون نقش قلقلی را بازی می‌کنم دیگر توانایی ایفای سایر نقش‌ها را ندارم. فکر می‌کردند همیشه باید یک کاراکتر را بازی کنم. آخرین کارم در سینما به بازی در فیلم سندیاد و سارا به کارگردانی غلامرضا آزادی در سال ۱۳۹۴ برمی‌گردد و متأسفانه دیگر پیشنهادی نداشت.

آیا طی این سال‌ها تلاش کردید تا ز قالب قلقلی بیرون

بیایید و نقش‌های دیگر را تجربه کنید؟

تا مدت‌ها تلاش داشتم تا کاراکتر قلقلی را برای خودم حفظ کنم و دلم نمی‌خواست نقش‌های دیگر را امتحان کنم اما بعد کار به جایی رسید که کسی سراغم نمی‌آمد. الان که فکر می‌کنم، می‌بینم با همین کاراکتر قلقلی می‌شد کارهای خوب در تلویزیون و سینما ساخت که برای بچه‌ها جذاب باشد و پیام و آموزه‌های اخلاقی را به آنها منتقل کند.

شما در کارهای تلویزیونی زیادی مثل بازی، شادی، تماشای

نامه‌ها و جایزه‌ها، هوشی و کوشی، دوقلوها و اتل متل توتوله

حضور داشته‌اید. خودتان کدام کار را بیشتر دوست دارید؟

برنامه نامه‌ها و جایزه‌ها را خیلی دوست دارم. یک کار طنز جذاب بود که با کودکان ارتباط خوبی برقرار می‌کرد. یک تیم چهار نفره شامل امیر سماواتی، مجید قناد، مسعود روشن‌پژوه و من بودیم و کار می‌کردیم. نمی‌دانم چرا فعالیت این گروه ادامه پیدا نکرد.

هنوز هم مردم در کوچه و خیابان شما را به اسم قلقلی

می‌شناسند؟

بله، به ویژه دهه شصتی‌ها که الان خودشان پدر و مادر هستند. البته بچه‌های امروزی قلقلی را نمی‌شناسند که جای تأسف دارد. ای‌کاش شرایطی فراهم می‌شد تا برای آنها هم برنامه‌سازی می‌کردیم.

به نظرتان چرا برنامه‌های کودک در دهه ۶۰ آن قدر

پربیننده بودند و می‌توانستند با کودکان ارتباط برقرار کنند؟

آن زمان فقط تلویزیون دو شبکه داشت و وسایل ارتباط جمعی دیگر مثل ماهواره و اینترنت نبود. بچه‌ها از مدرسه که می‌آمدند پای تلویزیون می‌نشستند. تنها سرگرمی‌شان تلویزیون بود.